

تاجتھا

پژوہش نامی فقہی

دوفصلنامہ علمی - پژوهشی
سال چہارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

تطور تاریخی شطرنج و تاثیر آن بر حکم فقہی^۱

محمد مہدی کمالی^۲

چکیده

شطرنج پیشینه‌ای دست کم دو هزار ساله دارد که در سیر تطوّر تاریخی‌اش تحولات کاربردی و ماهوی زیادی در آن رخ داده است و انواع گوناگونی از آن در دل فرهنگ‌های مختلف پدید آمده است. این تحولات تأثیر مستقیمی در استنباط حکم فقہی شطرنج دارد. در این میان یک یا چند نوع از انواع آن فی‌نفسه یا به جهت آلت قمار بودن مورد نهی قرار گرفته است؛ اما بسیاری از انواع شطرنج در زمان صلور نہی مرسوم نبوده است و یا هنوز اختراع نشده است. تسری حکم حرمت به این دست شطرنج‌ها، با چالش‌هایی همراه است. توجه به تفاوت پدیده‌های حقیقی و اعتباری، بازشناسی میزان وحدت و کثرت در پدیده‌ها و تعیین منطق حاکم بر آن در موضوعات احکام شریعت، حاکمیت مقولہ اسم‌گرایی یا واقع‌گرایی در ثبوت و سریان حکم شرعی، همه در دستیابی

تاجتھا
پژوہش نامی فقہی

تطور تاریخی شطرنج و تاثیر آن بر حکم فقہی

تاریخ تأیید: ۹۹/۸/۲۹

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۲۷

۲. عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

m.mkamali@yahoo.com

به حکم شرعی انواع شطرنج‌های نوظهور یا غیرمرسوم زمان صدور روایات تأثیرگذارند. البته وجود اطلاقی که بتوان تسری حرمت را بدان مستند نمود آسان نیست؛ چه آنکه روایات تحریمگر شطرنج در فضایی صادر شده‌اند که نوع خاصی از شطرنج مرسوم و معهود بوده است و حتی برخی از آنها در پاسخ به پرسش از حکم شطرنج روایت شده‌اند. با ناتوانی روایات در اثبات تحریم انواع شطرنج راه برای اصول عملی باز می‌شود و چه بسا بتوان با تمسک به اصل براءت، جواز برخی از انواع شطرنج را نتیجه گرفت؛ گرچه این نتیجه منافاتی با نیکویی احتیاط ندارد.

واژگان کلیدی: سیر تطور شطرنج، انواع شطرنج، اسم‌گرایی، تحول ماهوی، بازی.

مقدمه

استنباط حکم توسط فقیه فرایندی بسیار پیچیده و دقیق دارد.^۱ یکی از مراحل استنباط، موضوع‌شناسی است. مفهوم‌شناسی و تعیین گستره موضوع، کاری فقیهانه است و تا فقیه موضوع را به لحاظ مفهوم‌شناسایی نکند، نمی‌تواند حکم دهد؛ چه آنکه حکم وابسته به موضوع است و تا موضوع روشن نباشد، سخن از حکم بی‌معناست. چنان‌که فقها در غنا حکم به حرمت داده‌اند؛ اما اینکه غنا چیست و مؤلفه‌های آن کدام است پرسشی از مفهوم غناست که فقیه باید بدان پاسخ دهد که مثلاً مقصود از غنا صوت مطرب است یا صوت مرجع. آری، پس از تعیین و تبیین مفهوم آن توسط فقیه، تشخیص مصداق بر عهده مکلف یا متخصصان در آن حوزه است.

مفهوم‌شناسی موضوع، خود گاهی بسیار پیچیده و زمان‌بر است. این فرایند در برخی از موضوعات به واژه‌شناسی، رجوع به عرف و پرسش از متخصصان و کارشناسان در آن زمینه نیازمند است و در برخی موضوعات دیگر علاوه بر آنچه ذکر شد، مستلزم مطالعات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است، خصوصاً هنگامی که آن موضوع، تاریخی به درازای زندگی بشر داشته و در پیچ و تاب زندگی انسان دچار تغییر و تحولات بسیاری شده باشد. وقتی که موضوعی، دچار تغییر شده و موقعیت تازه‌ای در نظام زندگی پیدا کرد، در استنباط حکم آن

۱. از آنجا که فرایند استنباط بسیار پیچیده و تخصصی است، عموم مردم برای تشخیص وظیفه باید به مراجع معظم تقلید مراجعه نموده و شایسته نیست مقاله حاضر را دست‌مایه عمل خویش قرار دهند.

می‌بایست به تحولات و موقعیت جدید آن موضوع توجه نمود.

تغییر و تحول در موضوعات فقهی معمولاً به دو شیوه روی می‌دهد: تحول ماهوی و تحول کارکردی. تحول کارکردی به این معناست که موضوع بدون تغییر در ماهیت، کارکرد و استفاده قبلی خود را از دست بدهد و دارای کارکرد اجتماعی جدیدی شود و یا اینکه ضمن حفظ کارکرد گذشته خود، کارکرد جدیدی به دست آورد؛ مثل موسیقی که کارکرد کنونی آن، کم‌کم و کیفیاً، با کارکرد گذشته آن بسیار متفاوت است. اما تحول ماهوی یعنی موضوع در ماهیت خود تغییر کرده و به چیزی غیر از آنچه که پیشتر بوده است تبدیل گردد. تحول ماهوی گاهی در موضوعات طبیعی و به واسطه سبب‌های تکوینی رخ می‌دهد؛ مانند تبدیل سگ به نمک یا شراب به سرکه که از آن به استحاله یا انقلاب تعبیر می‌شود و گاهی در مقوله‌های عرفی و اجتماعی به سبب تغییرات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی پدید می‌آید. این موضوعات، به اقتضای زندگی اجتماعی انسان پدید آمده و به اقتضای تغییر و تحولات زندگی اجتماعی در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند. لیکن از آنجا که تحول در این دست موضوعات، امری محسوس نبوده و معمولاً به صورت تدریجی و در زمانی طولانی پدید می‌آید، از چشم‌ها پوشیده مانده و به آسانی قابل شناسایی نیست. بدیهی است بررسی تحولات کارکردی و ماهوی موضوع در کنار اصل موضوع‌شناسی نقش مهمی در استنباط احکام فقهی دارد.

پیشینه

یکی از موضوعات عرفی و پدیده‌های اجتماعی که به نظر می‌رسد موضوع شناسی نشده و سیر تطور فرهنگی - تاریخی آن مورد توجه قرار نگرفته است، شطرنج است. شطرنج پدیده‌ای اجتماعی است که در طول تاریخ هم دچار تحولات کارکردی شده است و امروزه بیشتر به عنوان یک ورزش و مسابقه شناخته می‌شود تا آلت قمار و هم از تحولات ماهوی بی‌نصیب نمانده است. اگرچه در فقه معاصر، تحول کارکردی شطرنج (آلت قمار بودن یا نبودن شطرنج) به صورت جزئی مورد توجه قرار گرفته است؛ اما تحولات ماهوی آن به کلی تا به امروز مغفول واقع شده است.

کسی که به روایات و دیدگاه‌های فقها در خصوص شطرنج نگاه کند، خواهد دید که در

روایات بازی و خرید و فروش شطرنج منع شده است^۱ و از این رو همه فقها در طول تاریخ اسلام چه در میان اهل سنت و چه تشیع معمولاً در مورد شطرنج به اظهار حکم پرداخته‌اند. در این میان، اغلب فقها شطرنج را حرام، بعضی (حنابله) آن را مکروه^۲ و بعضی (شافعی) حلال^۳ دانسته‌اند. فقهایی که به حرمت شطرنج فتوا داده‌اند، از نظر ملاک تحریم سه دسته می‌شوند: بعضی وجود رهن و در میان گذاشتن جایزه را علت حرمت دانسته‌اند؛ یعنی معتقدند شطرنج اگر به صورت شرط‌بندی و برد و باخت انجام شود حرام است؛ اما اگر بدون برد و باخت انجام گیرد حرمت آن را محل اشکال دانسته‌اند^۴. مشهور فقها عنوان «بازی با آلت قمار» را علت حرمت دانسته‌اند، حتی اگر با آن قمار نشود. بعضی نیز صرف نظر از حرمت از باب قمار یا آلت قمار، خود عنوان شطرنج را ملاک حرمت دانسته و علت حرمت را مبعوضیت نفسی شطرنج دانسته‌اند. طبعاً در نظر اینان اگر شطرنج آلت قمار باشد یا با آن قمار زده شود حرمتش از دو جهت خواهد بود^۵. ولی هیچ‌یک تا به حال به اصل مقوله شطرنج و تحولات ماهوی آن در دل فرهنگ‌های مختلف پرداخته است. اینکه شطرنج چیست، چه انواعی دارد و کدام نوع آن مقصود است، تا به حال مورد مطالعه قرار نگرفته است^۶. به نظر می‌رسد علت، واضح‌انگاری مسأله و مفروض پنداشتن موضوع بوده است؛ چه اینکه شطرنج، بازی‌ای پرسابقه و بسیار معروف است. از این رو فقها به علت شناخته شده بودن، نیازی به موضوع‌شناسی احساس نکرده‌اند؛ ولی این پندار دقیق نیست؛ چه اینکه کسی که اندک تحقیقی راجع به شطرنج و تاریخچه آن داشته باشد، خواهد دید که این بازی یک شبه پدید نیامده و سیری دست‌کم دو هزار ساله را طی کرده و به لحاظ جغرافیا و زمان، تطور بسیاری پیدا کرده تا به شکل امروزی درآمده است.

۱. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۶، صص ۴۳۵-۴۳۷؛ صدوق، الفقیه، ج ۳، ص ۴۳ و ج ۴، ص ۶ و ۵۸ و ۴۱۹؛ طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۶۰؛ حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، صص ۳۱۸-۳۲۶.
۲. جزیری، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۵۲.
۳. همان، ج ۲، ص ۵۷.
۴. خوانساری، جامع المدارک، ج ۳، ص ۲۷.
۵. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱۷ و ۱۸، ص ۳۱۵.
۶. تنها یک فقیه در پاسخ استفتائی در مورد شطرنج و خرید و فروش آن، حرمت را به خصوصیات قدیم شطرنج، مقید نموده است. (بهجت، استفتاءات، ج ۴، ص ۵۵۳)

پیدایش شطرنج

در مورد پیدایش این بازی اختلاف نظر وجود دارد. از لحاظ تاریخی کهن‌ترین سندی که در آن از بازی شطرنج سخن گفته شده، رساله کارنامه اردشیر بابکان است^۱. بعضی مبدأ پیدایش شطرنج را بازی چتوراجی یا چتورانگه^۲ در هند دانسته و معتقدند این بازی از سوی پادشاه هند همراه هدایای دیگری به پادشاه ایران هدیه شد و در ایران رواج پیدا کرد؛ ولی بعضی آن را ساخته ایرانیان کهن و قبل از دوره ساسانیان می‌دانند که از ایران به هند رفته و بعد از مدتی مدید دوباره از هند به ایران آمد و بعدها در میان اعراب و خلفای اموی و عباسی و پس از آن میان مغول‌ها متداول شده و سپس از طریق آفریقا و اندلس به اروپا وارد شد. برخی دیگر مبدأ شطرنج را سرزمین‌های دیگری هم چون چین، یونان، مصر، رومانی و غیره دانسته‌اند. به هر رو، شطرنج پس از شیوع در ممالک اسلامی و پس از راه‌یابی به ممالک غربی، در سال ۱۰۶۱ میلادی آن‌چنان در اروپا فراگیر شد که حتی اسقفی معروف به بازی شطرنج پرداخت و توسط پاپ الکساندر دوم مورد مؤاخذه قرار گرفت و بازی شطرنج ممنوع اعلام شد. بازی شطرنج علی‌رغم ممنوعیت کلیسا مورد استقبال مردم قرار گرفت و کلیسا ناگزیر شد در سال ۱۴۰۰ میلادی ممنوعیت شطرنج را لغو کند. بعدها اسقف اسپانیایی ری لوپز خود صاحب تئوری‌هایی در بازی شطرنج شد^۳.

در اواخر قرن پانزدهم میلادی تغییرات مهمی در قوانین و مقررات بازی شطرنج روی داد که به جایگزین شدن شطرنج مدرن با شطرنج قدیم منجر شد^۴. این سیر با تغییرات تدریجی تا آنجا ادامه پیدا کرد که شطرنج اکنون تبدیل به یک بازی جهانی با فدراسیون و مسابقات بین‌المللی شده است.

۱. هاشمی‌نژاد، کارنامه اردشیر بابکان، ص ۳۵.

2. Catarina.

۳. درباره پیشینه تاریخ شطرنج. ک: اندلسی، التعریف، ص ۱۵۷؛ رواندی، راحة الصدور، صص ۴۰۷-۴۰۸؛ ربرت، شطرنج را از پایه بیاموزید، ص ۷؛ فلد، ۱۰۰۱ روش جالب برای مات کردن در شطرنج، صص ۸-۷؛ نوابی، سیر شطرنج ایران در جهان، ص ۵؛ یکتایی، پیشینه تاریخی شطرنج، بخش اول، صص ۶۸-۷۶ و بخش دوم، صص ۹۱-۹۲ و بخش سوم، ص ۱۱۷.

۴. رحمانی، گنجینه طلایی شطرنج، ص ۱۳؛ نوابی، سیر شطرنج ایران در جهان، ص ۱۹۲.

به هر حال آنچه مهم است این است که شکل نخستین شطرنج با بازی کنونی بسیار متفاوت بوده و در این سیر دو هزار ساله انواع گوناگونی از شطرنج پدید آمده که به حسب شکل و رنگ صفحه، تعداد خانه‌ها، تعداد، شکل و نام مهره‌ها و همین‌طور شکل حرکت آنها و قواعد بازی تفاوت بسیاری بین آنها دیده می‌شود تا آنجا که دسته‌بندی آنها تحت یک بازی بسیار سخت به نظر می‌رسد. بعضی انواع بازی شطرنج را حتی تا دو هزار نوع شمرده‌اند که مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد؛ ولی برخی از مهم‌ترین انواع شطرنج که تاکنون پدید آمده بدین شرح است: شطرنج قدیم، شطرنج هندی، شطرنج پارسی (ایرانی)، شطرنج اترنج، شطرنج طویل، شطرنج تامه، شطرنج جوارحیه، شطرنج حصون (ذوات الحصون)، شطرنج دایره، شطرنج رومی، شطرنج کبیر یا شطرنج تیموری، شطرنج عرفا، شطرنج چهارچهره (شومگهی)، شطرنج شاه دیوانه (شاه مست)، شطرنج پیادین (شطرنج پیادگان)، شطرنج شیر و بز، شطرنج زنده، شطرنج غائب، شطرنج هفت کوکب (۱۲ بروج)، شطرنج زورازوری، شطرنج شوگی، شطرنج بلیتز (برق آسا)، شطرنج ۹۶۰ بابی فیشر، شطرنج انتحاری (خودکشی)، شطرنج اسکاتلندی، شطرنج سه‌بعدی، شطرنج شش‌ضلعی، شطرنج سه‌نفره، شطرنج چهارنفره، شطرنج کاپابلانکا، شطرنج وزیر خشمگین یا همان شطرنج استاندارد امروزی و... .

حال با توجه به سیر تطور تدریجی شطرنج امروزی و انواع متعدد و مختلفی که از آن به وجود آمده است، باید دید که روایات حرمت شطرنج بر فرض تمامیت سند و دلالت، آیا شطرنج را به شکل مطلق و با همه انواع دیروزی و امروزی حرام می‌کند یا اینکه شکلی خاص از شطرنج را که در زمان‌های گذشته خصوصاً در سده‌های آغازین اسلام و زمان صدور روایات در ابتدای حکومت بنی عباس متداول بوده حرام خواهد کرد؟ همین‌طور باید تحقیقی صورت پذیرد که کی و کجا و چه نوع از شطرنج یا شطرنج‌ها به عنوان بازی قمار استفاده می‌شده و اگر فرضاً یک یا چند مدل از آن آلت قمار محسوب می‌شده، دیگر انواع بازی آن چه حکمی پیدا خواهد کرد. این روند در مورد بازی نرد، پاسور، بلیارد و مانند آن نیز صادق است. هم‌چنین از این به بعد اگر تغییرات بیشتری در شطرنج صورت پذیرد و انواع جدیدی از آن شکل گیرد، حکم آنها چه خواهد بود؟

باید دانست بازیابی و شناسایی شطرنج مرسوم در زمان صدور روایات بسیار سودمند و

ماهیانه پژوهش‌های فقهی

سال چهارم شماره ۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۹

راهگشاست، چه آنکه در این صورت شطرنجی که روایات به طور حتم بر حرمت آن پافشاری دارند آشکار می‌شود و می‌توان با محوریت آن، تسری حرمت به دیگر انواع شطرنج را دنبال کرد. این گمانه وجود دارد که شطرنج مرسوم در آن زمان، شطرنج هندی به روایت راوندی بوده است؛ چنان‌که شطرنج مجوس -که در برخی روایات منع شده است- به احتمال زیاد همین شطرنج است؛ زیرا شطرنج مجوس یعنی شطرنج ایرانیان و شطرنج ایرانیان همان شطرنجی است که از هند به ایران آمد و میان اعراب متداول شد که به احتمال زیاد همان شطرنج هندی به روایت راوندی است. اهمیت موضوع آنجا آشکار می‌شود که شطرنج هندی به روایت راوندی با تغییراتی در کارکرد برخی مهره‌ها به شطرنج وزیر خشمگین تغییر نام داد و شطرنجی که امروزه مرسوم است با همین ساختار و کارکرد است. نگارنده علی‌رغم مطالعه فراوان در این زمینه و مراجعه به کتاب‌های حدیثی و تاریخی و بسیاری از کتبی که در رابطه با شطرنج نگارش شده است به نتیجه قطعی و قابل اعتمادی در این زمینه دست نیافت. از این رو پیش‌فرض آن است که شطرنج مرسوم زمان امامان برای ما ناشناخته است. بررسی تحولات ماهوی شطرنج و پیدایش انواع شطرنج از منظر تأثیری که در حکم فقهی آن می‌گذارد، پنجره جدیدی است که این مقاله به دنبال طرح و بازخوانی مبانی و مؤلفه‌های مؤثر در آن است.

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

تطور تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

شرح مختصر بعضی از انواع بازی شطرنج

قبل از ورود در بحث اصلی و یافتن پاسخی برای مسائل فوق، بهتر است برای اشراف و درک بهتر سیر تدریجی شطرنج و تحولات ماهوی آن به شرح مختصر بعضی از انواع متفاوت شطرنج پرداخته شود.

۱. شطرنج هندی به روایت بیرونی

در این شطرنج که به اعتقاد بعضی همان بازی چتورانگه است^۱، چهار بازیکن به بازی می‌پردازند. هر بازیکن دارای چهار پیاده و یک شاه، یک رخ، یک اسب و یک فیل است که

۱. قاضی‌زاده، تصحیح کتاب الشطرنج، ص ۸.

طرز قرارگرفتن مهره‌ها در شکل نشان داده شده است. در این بازی از مهره وزیر یا فرزین خبری نیست و برای تعیین حرکت مهره‌ها از دو تاس استفاده می‌شود. از دو تاس شش وجهی که شماره ۵ و ۶ در آنها معادل ۱ و ۴ محسوب می‌شده است. اگر تاس شماره ۱ آید، پیاده یا شاه و اگر ۲، ۳ و ۴ آید به ترتیب رخ، اسب و فیل حرکت داده خواهد شد. هر بازیکن در هر نوبت دو تاس می‌اندازد و بسته به شماره تاس مهره‌هایش را دو بار حرکت می‌دهد. اگر هر دو شماره مربوط به یک مهره باشد، دو بار مهره در جهت‌های مجاز حرکت داده می‌شود و اگر مربوط به دو مهره باشد، آن دو مهره حرکت داده می‌شوند. در این بازی می‌توان شاه حریف را به اسارت

رخ	فرس	فیل	شاه	بی‌دق	رخ
بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	فرس
بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	فیل
بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	شاه
بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	شاه
بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	فرس
بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	بی‌دق	رخ

گرفت. حرکت مهره‌ها نیز به این صورت است که فیل می‌تواند یک خانه به جلو یا به هر یک از زوایا به صورت مورّب حرکت کند و مهره حریف را بدین صورت ضرب کند به این دلیل که هند یان اعتقاد داشتند این خانه‌ها جایگاه پاها و خرطوم فیل است. آن‌گونه که بیرونی توضیح می‌دهد حرکت شاه

سازمان
پژوهش‌های فقهی

سال چهارم شماره ۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۹

و سرباز در این بازی هم‌چون حرکت آنها در شطرنج مشهور و حرکت رخ همانند حرکت معهود فیل (در زمان بیرونی) در قطرها و تا سه خانه است و حرکت فیل همانند حرکت معهود رخ در جهات مستقیم و حرکت اسب نیز مورّب و به شکل معهود در شطرنج مشهور است!

۲. شطرنج هندی به روایت راوندی

طبق گزارش راوندی در قرن ۶ شطرنجی که هندیان ساختند بسیار شبیه شطرنج امروزی متشکل از ۶۴ خانه و صفحه‌ای ۸ در ۸ بوده است. هر طرف دارای ۸ مهره سواره و ۸ مهره پیاده بوده است. کیفیت بازی در آن نظیر بازی امروزی شطرنج بوده، مگر آنکه مهره وزیر و

۱. بیرونی، تحقیق ما للهند، صص ۱۳۱-۱۳۳.

فیل حرکتشان با حرکات امروزی متفاوت بوده است. مهرة وزیر مورب به چهار طرف به صورت یک خانه یک خانه حرکت می‌کند و در زوایا مهره‌های حریف را می‌زند و فیل نیز مورب، اما دو خانه حرکت کرده و در خانه دوم مهره‌ها را ضرب می‌کند. در این شطرنج پیاده اگر به منتهای سیر خود برسد تبدیل به وزیر می‌شود^۱.

۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰
پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده
رخ	فرس	فیل	شاه	فرزین	فیل	فرس	رخ

۳. شطرنج ذوات الحصون

تعداد خانه‌های این شطرنج ۱۰ در ۱۰ است که مجموع می‌شود ۱۰۰ خانه؛ به‌علاوه چهارخانه دیگر که در چهار کنج صفحه قرار دارد و به منزله حصن است. اگر پادشاه در حصن قرار گیرد، مادامی که در آنجا باقی بماند از هر خطری مصون خواهد بود نه می‌تواند کسی را ضرب کند و نه کسی می‌تواند او را ضرب کند. در این شطرنج تعداد مهره‌های سواره

در هر طرف ۲ عدد سواره به نام اسد یا شتر که در کناره‌ها و بعد از رخ قرار دارد و ۲ عدد پیاده بیشتر است. حرکت اسد طبق گزارش آملی مانند حرکت رخ، ولی به صورت مورب است، نظیر حرکت فیل در شطرنج امروزی^۲؛ اما طبق گزارش راوندی مثل حرکت فیل مورب است؛ با این تفاوت که فیل یک خانه می‌پرد و در خانه

۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰	۶۴۰
پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده	پیاده
اسد	رخ	فرس	فیل	فرزین	شاه	فیل	فرس	رخ	اسد

ماجنات
پژوهش‌های فقهی

تطور تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

۱. راوندی، راحة الصدور، صص ۴۰۸-۴۰۹.
۲. آملی، نفائس الفنون، ج ۳، صص ۵۶۵-۵۶۶.

دوم می نشیند؛ ولی اسد دو خانه می پرد و در خانه سوم می نشیند^۱. در این شطرنج هرگز پیاده تبدیل به وزیر نمی شود^۲.

۴. شطرنج ۴ در ۱۶

تعداد خانه‌های این شطرنج ۴ در ۱۶ یعنی ۶۴ خانه است. راوندی مبدع آن را بزرجمهر دانسته است. تعداد مهره‌ها در هر طرف ۱۶ مهره، ۸ سواره و ۸ پیاده است. از جانب عرض رخ‌ها در زوایا قرار گرفته و شاه و وزیر در وسط آنها. جلوی شاه و وزیر دو اسب و جلوی آنها دو فیل و در جلوتر پیاده‌ها در دو ردیف ۴ تایی قرار گرفته و در طول به جانب حریف حرکت می کنند. حرکت مهره‌ها بسان شطرنج قدیم (هندی) است؛ لیکن بازیکن در حرکت دادن مهره‌ها آزاد نیست و حرکات مهره‌ها با انداختن کعبتین یعنی دو تاس مشخص می شود. اگر کعبتین ۱ بیاید پیاده حرکت داده می شود، اگر ۲ آید رخ، اگر ۳ اسب، اگر ۵ وزیر و اگر ۶ آید شاه حرکت داده می شود^۳. اگر ۶ آمد و شاه خانه‌ای برای حرکت دادن نداشت حکم مات را ندارد و الزامی به حرکت دادن نیست؛ ولی حرکت کردن و ضرب مهره حریف در گروهی موافق بودن کعبتین است. به عنوان مثال اگر رخ زیر ضرب پیاده باشد تا عدد ۱ نیاید پیاده حق ضرب ندارد. در این شطرنج پیاده تبدیل به وزیر می شود. شکل این شطرنج در ذیل آمده است.

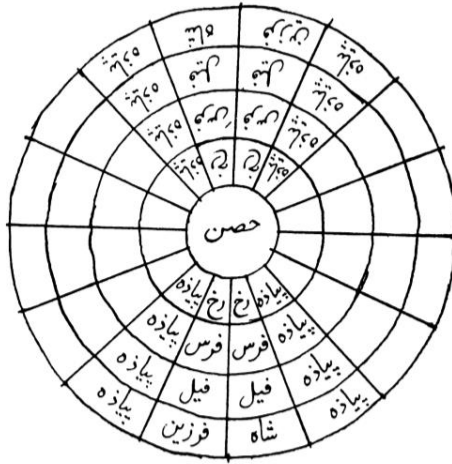
رخ			پیاده	پیاده						پیاده	پیاده	رخ
فرزین	فیس	فیل	پیاده	پیاده						پیاده	پیاده	فرزین
پناه	فیس	فیل	پیاده	پیاده						پیاده	پیاده	پناه
رخ			پیاده	پیاده						پیاده	پیاده	رخ

ماهیچنا
پژوهش‌های فنی

سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

۱. راوندی، راحة الصدور، ص ۴۱۲.
۲. آملی، نفائس الفنون، ج ۳، صص ۵۶۵-۵۶۶.
۳. راوندی، راحة الصدور، ص ۴۱۰؛ آملی، نفائس الفنون، ج ۳، ص ۵۶۶.

۵. شطرنج گرد (رومی)



صفحه شطرنج رومی یا شطرنج گرد به صورت دایره است و در وسط آن دایره کوچکتري قرار دارد که شاه در صورت در ماندگی به آنجا پناه برده و مادامی که آنجا باشد در امان است. میان این دو دایره سه دایره دیگر قرار دارد که هر نیم دایره را به هشت قسمت تقسیم کرده، مجموع خانه ها به جز دایره حصن ۶۴

عدد می شود. شاه و وزیر در دایره آخر که از همه بزرگتر است قرار گرفته، در جلوی آنها در دایره بعدی دو فیل، در دایره بعدی دو اسب و در دایره اول کنار حصن دو رخ قرار گرفته و در کنار این مهره ها در میسر و میمنه هر کدام ۴ پیاده قرار می گیرد. حرکت مهره ها در این شطرنج هم چون حرکت مهره ها در شطرنج قدیم است، مگر آنکه در این شطرنج همه فیل ها امکان ضرب یکدیگر را دارند و پیاده ها در صورت مواجه شدن از روبرو همدیگر را ضرب می کنند. طبق گزارش آملی در این شطرنج پیاده تبدیل به وزیر نمی شود؛ اما طبق نقل راوندی این تبدیل صورت می پذیرد.^۲

۶. شطرنج ۷ کوکب و ۱۲ برج

تعداد خانه های صفحه در این نوع شطرنج حاصل ضرب عدد ۷ در ۱۲ است که عدد کوکب و بروج است. حرکت مهره ها بر اساس کعبتین تعیین و سیر حرکت آنها برسان حرکت فلک هر کوکب متفاوت است. زحل ۷ خانه، مشتری ۶ خانه، مریخ ۵ خانه، آفتاب ۴ خانه، زهره ۳ خانه، عطارد ۲ خانه و ماه ۱ خانه حرکت می کند. آملی در شرح چگونگی انجام بازی می نویسد:

۱. آملی، نفائس الفنون، ج ۳، ص ۵۶۶.

۲. راوندی، راحة الصدور، ص ۴۱۲.

مهره را در میان نطع (صفحه) بنهند و کعبتین بزنند. هر که را آید آغاز باختن کند و یک مهره بردارد و به هر کدام از آن خانه‌ای او که خواهند بنهند چنانکه اگر زحل باشد خواهد در جدی بنهد و خواهد در دلو و علی‌هذا پیوسته یکی او یکی حریف بازد و تا مهره تمام بنهند. آنگاه هر مهره که خواهد بردارد و به هر خانه که خواهد بنهد، پس اگر به خانه که آن کوکب را در آن خانه رجعت بود چندان که آمده باشد باز پس آید و هم بر این وجه می‌بازند تا آنکه شمس و مشتری به یک جانب آیند و مریخ و زحل به جانب خصم و بردن او این است. و چون این مثال بر دایره است بر ۱۲ برج قسمت کرده و به زیر هر برج نام آن کوکب که صاحب آن خانه باشد نوشته صورت او بنهادهیم بر این وجه.^۱

۷. شطرنج کبیر (تیموری)

در شطرنج کبیر بازی در صفحه‌ای ۱۰ در ۱۱ انجام می‌گرفته است. در آن مهره‌هایی به نام زرافه، شیر، گاو و گوسفند و چیزهای دیگر افزوده‌اند که آملی به علت عدم تطویل از شرح قوانین و حرکات آنها خودداری کرده است.^۲ ابن عربشاه ابداع این شطرنج را به تیمور لنگ نسبت داده و شرحی مختصر از چگونگی قرار گرفتن مهره‌ها در آن نگاشته است که تصویر آن چنین است:^۳

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹

۱- مهره بیاض رخ ۲- مهره بیاض زرافه ۳- مهره بیاض اسب ۴- مهره بیاض دایه ۵- مهره بیاض گاو ۶- مهره بیاض شیر ۷- مهره بیاض گوسفند ۸- مهره بیاض کبیر ۹- مهره بیاض کبیر ۱۰- مهره بیاض کبیر ۱۱- مهره بیاض کبیر ۱۲- مهره بیاض کبیر ۱۳- مهره بیاض کبیر ۱۴- مهره بیاض کبیر ۱۵- مهره بیاض کبیر ۱۶- مهره بیاض کبیر ۱۷- مهره بیاض کبیر ۱۸- مهره بیاض کبیر ۱۹- مهره بیاض کبیر ۲۰- مهره بیاض کبیر ۲۱- مهره بیاض کبیر ۲۲- مهره بیاض کبیر ۲۳- مهره بیاض کبیر ۲۴- مهره بیاض کبیر ۲۵- مهره بیاض کبیر ۲۶- مهره بیاض کبیر ۲۷- مهره بیاض کبیر ۲۸- مهره بیاض کبیر ۲۹- مهره بیاض کبیر ۳۰- مهره بیاض کبیر ۳۱- مهره بیاض کبیر ۳۲- مهره بیاض کبیر ۳۳- مهره بیاض کبیر ۳۴- مهره بیاض کبیر ۳۵- مهره بیاض کبیر ۳۶- مهره بیاض کبیر ۳۷- مهره بیاض کبیر ۳۸- مهره بیاض کبیر ۳۹- مهره بیاض کبیر ۴۰- مهره بیاض کبیر ۴۱- مهره بیاض کبیر ۴۲- مهره بیاض کبیر ۴۳- مهره بیاض کبیر ۴۴- مهره بیاض کبیر ۴۵- مهره بیاض کبیر ۴۶- مهره بیاض کبیر ۴۷- مهره بیاض کبیر ۴۸- مهره بیاض کبیر ۴۹- مهره بیاض کبیر ۵۰- مهره بیاض کبیر

۱- مهره بیاض لیل ۲- مهره بیاض کفتک (خرگشک) ۳- مهره بیاض تیر (گاو) ۴- مهره بیاض رخ ۵- مهره بیاض لیل ۶- مهره بیاض لیل ۷- مهره بیاض زرافه ۸- مهره بیاض گاو ۹- مهره بیاض شیر ۱۰- مهره بیاض گوسفند ۱۱- مهره بیاض کبیر ۱۲- مهره بیاض کبیر ۱۳- مهره بیاض کبیر ۱۴- مهره بیاض کبیر ۱۵- مهره بیاض کبیر ۱۶- مهره بیاض کبیر ۱۷- مهره بیاض کبیر ۱۸- مهره بیاض کبیر ۱۹- مهره بیاض کبیر ۲۰- مهره بیاض کبیر ۲۱- مهره بیاض کبیر ۲۲- مهره بیاض کبیر ۲۳- مهره بیاض کبیر ۲۴- مهره بیاض کبیر ۲۵- مهره بیاض کبیر ۲۶- مهره بیاض کبیر ۲۷- مهره بیاض کبیر ۲۸- مهره بیاض کبیر ۲۹- مهره بیاض کبیر ۳۰- مهره بیاض کبیر ۳۱- مهره بیاض کبیر ۳۲- مهره بیاض کبیر ۳۳- مهره بیاض کبیر ۳۴- مهره بیاض کبیر ۳۵- مهره بیاض کبیر ۳۶- مهره بیاض کبیر ۳۷- مهره بیاض کبیر ۳۸- مهره بیاض کبیر ۳۹- مهره بیاض کبیر ۴۰- مهره بیاض کبیر ۴۱- مهره بیاض کبیر ۴۲- مهره بیاض کبیر ۴۳- مهره بیاض کبیر ۴۴- مهره بیاض کبیر ۴۵- مهره بیاض کبیر ۴۶- مهره بیاض کبیر ۴۷- مهره بیاض کبیر ۴۸- مهره بیاض کبیر ۴۹- مهره بیاض کبیر ۵۰- مهره بیاض کبیر

۱. آملی، نفائس الفتون، ج ۳، ص ۵۶۷.
 ۲. همان، ج ۳، ص ۵۶۷.
 ۳. ابن عربشاه، عجائب المقذور، ص ۲۹۷.

این نوع شطرنج در کتاب سیر شطرنج ایران در جهان توسط آقای نوابی در آخر کتاب توضیح داده شده است.

۸. شطرنج پیادگان (پیادین)

در این نوع از شطرنج در هر سوی صفحه تنها یک شاه و ۸ پیاده قرار داده می‌شود و خبری از مهره‌های سواره‌نظام نیست.^۱

۹. شطرنج شاه دیوانه (شاه مست)

در این بازی در یک سوی صفحه فقط شاه قرار دارد که یک تنه کار همه مهره‌های دیگر را انجام داده و باید تنها به مقابله با همه مهره‌های حریف پردازد.^۲

۱۰. شطرنج خودکشی (انتحاری)

هدف از این نوع شطرنج از دست دادن تمام مهره‌های خودی است و بازیکنی که زودتر همه مهره‌های خودش را از دست دهد برنده است. اگر مهره‌ای بتواند مهره دیگر را بزند باید این کار را بکند. در این بازی شاه را هم می‌توان زد. این بازی به «مطرنج» شهرت یافته، قوانین آن همانند قوانین شطرنج است، به جز در کیش دادن و هم‌چنین شاه می‌تواند زده شود. در این نوع بازی در صورتی که مهره‌ای در معرض زده شدن قرار گیرد، باید حذف گردد.^۳

۱۱. شطرنج اسکاتلندی

در این بازی ابتدا سفید یک حرکت انجام می‌دهد. سپس سیاه حق دو حرکت پیدا می‌کند و پس از آن سفید حق سه حرکت و همین‌طور تا پایان. اگر یک بازیکن کیش بدهد، نوبتش تمام می‌شود.^۴

۱. یکتایی، پیشینه تاریخی شطرنج، بخش سوم، ص ۱۰۹.

۲. همان.

۳. باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخچه شطرنج در ایران و جهان، ۱۰ مرداد ۱۳۹۱، YJC.IR/FA/NEWS/4023606.

۴. همان.

۱۲. شطرنج وزیر خشمگین

بعد از گذشت چند قرن از ورود شطرنج به اروپا در اواخر قرن پانزدهم و در حدود سال‌های ۱۴۸۵ میلادی تغییرات مهمی در شطرنج روی داد که به جایگزین شدن شطرنج مدرن با شطرنج قدیم (شطرنج هندی به روایت راوندی) منجر گردید. این بازی به علت قدرتی که مهره وزیر در آن پیدا کرد، به شطرنج وزیر خشمگین شهرت یافت. البته بعدها با متداول شدن این نوع شطرنج قید وزیر خشمگین به تدریج به فراموشی سپرده شد و بر این بازی شطرنج به صورت مطلق اطلاق گردید.

در قوانین شطرنج قدیم به استثنای رخ، اسب و پیاده که شیوه حرکت آنها با قواعد امروز مطابقت داشت، حرکات سایر مهره‌ها (شاه، فیل و وزیر) با اصول فعلی کاملاً مغایر بود. عمل قلعه رفتن اساساً وجود نداشت و شاه فقط در اولین حرکت خود استثنائاً می‌توانست دو خانه جابه‌جا شود و وزیر مانند فیل حرکت می‌کرد، منتهی در هر نوبت فقط یک خانه و فیل در هر حرکت مجاز بود یک یا دو خانه روی قطر تغییر محل بدهد و اگر خانه اول که در مسیر او واقع شده بود به وسیله مهره‌ای اشغال بود می‌توانست از روی آن بپرد و در خانه دوم بنشیند و یا مهره حریف را در خانه دوم بزند و یا از خانه مبدأ به شاه حریف که در مسیر او بود کیش بدهد که با تغییر قوانین در مورد شاه، وزیر و فیل مقررات امروزی شطرنج مدرن به وجود آمد.^۱

بازشناسی حکم فقهی شطرنج

بیان شد که ملاک حرمت شطرنج اختلافی است و مجموعاً سه ملاک برای حرمت شطرنج بیان شده است. بعضی ملاک حرمت را برد و باخت دانسته‌اند. طبق این ملاک هیچ تفاوتی میان انواع شطرنج از نظر حکم نیست. هر نوع شطرنج در فرض بازی برد و باخت، حرام است و در غیر این صورت، خیر. دسته دوم کسانی هستند که مناط حرمت را آلت قمار بودن دانسته‌اند. طبق این ملاک ضروری است که بررسی شود کدام نوع از انواع قدیم و جدید شطرنج آلت قمار محسوب می‌شوند و کدام یک خیر. آن دسته که آلت قمارند، بازی با آنها

ما هجرت
پژوهش‌های فقهی

سال چهارم شماره ۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۹

۱. ر.ک: رحمانی، گنجینه طلایی شطرنج، ص ۱۳؛ راوندی، راحة الصدور، صص ۴۰۸ و ۴۱۴؛ صفری، کهن‌ترین نوشته فارسی در آموزش شطرنج، ص ۲۷.

حرام و آن دسته که آلت قمار نیستند بازی با آنها حلال است. می ماند انواعی که در آلت قمار بودن آنها شک داریم که حکم شک در مسأله، بعداً خواهد آمد. اما دسته سوم - صرف نظر از حرمت از حیث قمار یا آلت قمار - شطرنج را فی نفسه حرام دانسته اند و مستند آنها روایاتی است که از شطرنج به نحو مطلق نهی کرده و آن را از باطل بر شمرده است یا آن را مجوسی خوانده و دستور به ترک آن داده است.^۱ مطابق این ملاک باید بررسی شود بر فرض که از روایات فوق حرمت ذاتی شطرنج استفاده شود، آیا همه انواع آن حرام است یا نوع یا انواع خاصی از آن؟ تمرکز مباحث پیش رو بر تبیین و تطبیق حرمت بر اساس این ملاک است.

مؤلفه های مؤثر در حکم شناسی موضوعات تغییر یافته

از منظر فقهای دسته سوم، روایاتی که به طور مطلق از شطرنج نهی کرده اند ملاک حرمت شطرنج تلقی می شوند. استناد به این روایات برای اثبات حرمت انواع شطرنج در گرو توجه به مؤلفه هایی است که ذیلاً بیان می گردد.

۱. تفاوت موضوعات حقیقی با موضوعات اعتباری

موضوع احکام شرع، تکوینی و طبیعی یا اعتباری و ساختگی اند. آب، طلا، خون، شراب و خوک موضوعاتی حقیقی و تکوینی اند و حکمشان حلیت، طهارت، حرمت و نجاست است. موضوعات اعتباری و ساختگی، بسته به اعتبارکننده و سازنده آن، گاه از اعتبارات و ساخته های شرع است و گاه از اعتبارات عرف است که مردم آنها را به خاطر احتیاجات فردی و اجتماعی و یا به جهت روابط انسانی و یا اغراض دیگر پدید آورده اند. به عنوان مثال، نماز و حج گرچه به لحاظ فعل مکلف حقیقی اند؛ اما ماهیاتی مجعول و اعتباری اند که کیفیتشان بسته به اعتبار مولا است. هم چنین بیع، اجاره و سایر عقود و ایقاعات، اموری اعتباری اند که معتبر آنها عرف یا شرع است.

انواع بازی های متداول به طور عام و شطرنج به طور خاص اموری اعتباری و قراردادی اند. امور اعتباری دارای دو خصوصیت اند که آنها را از امور حقیقی جدا می کند. اول آنکه وضع و اعتبار

۱. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، صص ۳۱۸-۳۲۰.

آنها به دست معتبر است و این سبب می‌شود که بسته به زمان و مکان و اغراض معتبر دچار تغییرات کمی و کیفی گردند؛ خصوصاً اعتبارات بشری که به تبع تغییر زندگی بشر دائماً دستخوش تغییر و تحول است. در مقابل، امور تکوینی از یک ثبات نسبی برخوردارند و اگر احیاناً تغییری در آنها رخ دهد، تغییر آنها به صرف اراده افراد و به اعتبار آنها نیست، بلکه به جهت تغییر اسباب و علل تکوینی است. تفاوت دوم آن است که امور اعتباری بر خلاف امور حقیقی، دارای ماهیتی حقیقی و جنس و فصل منطقی نیستند و لذا جامع حقیقی بین انواع آنها وجود ندارد.^۱

۲. ماهیت بازی و پیدایش انواع بازی‌ها از دل یکدیگر

شطرنج یک نوع بازیست. بازی امروزه خود یکی از مقوله‌های پیچیده و در عین حال همه‌گیر در زندگی بشر است که نیازمند واکاوی همه جانبه است. اینکه بازی چیست و ارکان آن کدام است و تفاوت آن با ورزش یا تفریح چیست پرسش‌هایی است که پاسخ به آنها اگر ممکن باشد بسیار دشوار است. نگاهی کوچک به انواع و اقسام بازی‌ها، از بازی‌های گروهی گرفته تا بازی‌های دو نفره یا انفرادی، از بازی‌های پیچیده گرفته تا بازی‌های ساده، از بازی‌های بزرگان گرفته تا بازی‌های کودکانه که همه نام بازی را یدک می‌کشند، خود گویای این مطلب است که یافتن جامعی حقیقی برای انواع مختلف بازی امری دشوار، بلکه ناممکن است. این موضوع نه تنها درباره مفهوم بازی به طور عام صادق است، بلکه برای انواع خاص بازی نیز صدق می‌کند؛ چه اینکه در مقولاتی از جنس بازی و ورزش بسیار مر سوم است که در یک بازی تغییراتی صورت می‌پذیرد و بازی جدیدی از دل بازی قبلی متولد می‌شود؛ مثلاً بازی تنیس با تغییراتی از قبیل تغییر زمین به میز و کوچک شدن توپ و راکت و تغییر قوانین تبدیل می‌شود به بازی جدیدی به نام پینگ‌پنگ. همین بازی با تغییراتی به اسکوچ تغییر نام می‌دهد. هر سه بازی منشأ واحدی دارند و در همه توپ و راکت مشترک است؛ ولی سه بازی مجزا هستند. مثال و نمونه روشن دیگر ورزش‌های رزمی است. تکواندو، کاراته، جودو، کنگ‌فو، ووشو و... روح و منشأ واحدی دارند و همه در سیر تکامل ورزش‌های رزمی به

ماهیتها
پژوهش‌های فلسفی

سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

۱. ر.ک: طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، مقاله ششم، صص ۱۳۸-۲۳۹؛ کمالی و اکبریان، معرفت‌شناسی گزاره‌های اخلاقی، صص ۹۹-۱۲۰.

وجود آمده‌اند و در همه از دست و پا برای ضربه زدن بر حریف و غلبه بر او استفاده می‌شود؛ ولی بازی‌های متفاوتی هستند.

شطرنج نیز بسان بازی‌های دیگر در طول زمان دچار تغییرات کمی و کیفی زیادی شده و انواع بسیاری از آن متولد شده است که گاهی شباهت چندانی به یکدیگر ندارند. صرف نظر از انواع عجیب و غریب شطرنج، اگر تنها شطرنج امروزی را با شطرنج قدیم مقایسه کنیم خواهیم دید تغییرات کمی و کیفی زیادی بین همین دو نوع شطرنج وجود دارد. به عنوان مثال، صفحه شطرنج به صورت سفید و سیاه رنگ‌آمیزی شده است. در ابتدا مهره‌ها سیاه و سرخ بوده و الان سیاه و سفید شده است. در حرکت بعضی از مهره‌ها هم چون وزیر، فیل و شاه تغییرات مهمی صورت پذیرفته است. اسامی بعضی از مهره‌ها مانند وزیر و فیل تغییر کرده است. مهره تاس که در انواع ابتدایی بازی وجود داشته و بازی را تا حد زیادی دایر مدار شانس قرار می‌داده حذف شده است. عنصر زمان به بازی افزوده شده و قوانینی جدید هم چون شاه‌قلعه، آن‌پاسان، حرکت دو خانه‌ای سرباز و... به بازی اضافه شده و بعضی از قوانین قبلی تغییر کرده است.

با توجه به تغییرات صورت پذیرفته آیا می‌توان گفت حقیقت شطرنج تغییر یافته و بازی امروزی، بازی دیگری شده است یا خیر؟ انواع دیگر بازی شطرنج چگونه؟ اساساً ملاک تمایز بین موضوعات چه بوده و حاکم به تمایز آنها کیست؟

مباحثات
پژوهش‌های فقهی

تطور تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

۳. تمایز اشیا و قاعده «شیئیة الشیء بصورتہ لا بمادته»

اشیا اگرچه ممکن است اصل واحدی داشته باشند و ماده و ریشه آنها یکی باشد؛ اما ملاک تعدد و تمایز آنها به صورت آنهاست، نه به ماده آنها. صندلی و میزی که هر دو از چوب درست شده‌اند، دو شیء محسوب می‌شوند، نه یک شیء؛ چون صورت آنها متفاوت است. حتی ممکن است یک شیء خودش ماده شیء دیگر باشد و شیء دوم از تحول شیء اول پدید آمده باشد؛ اما چون در صورت با آن متفاوت است، شیء جدیدی با خواص جدید شمرده می‌شود و احکام آنها لزوماً یکی نیست؛ همانند شراب که از انگور پدید می‌آید؛ ولی حقیقت دیگری است و حکمش با حکم انگور متفاوت است. بنابر این آنچه ملاک تمایز

اشیا از یکدیگر است صورت آنهاست، نه ماده آنها و این قاعده‌ای عقلی است که هم حکما به آن اذعان دارند^۱ و هم بسیاری از فقها^۲.

در مورد بازی‌ها نیز با توجه به قاعده مذکور، آنچه باعث تمایز آنها از یکدیگر است، صورت آنهاست، نه ماده آنها. مراد از صورت در بازی، اجزا، شکل، قوانین و هدف بازی است و مراد از ماده، جنس تشکیل‌دهنده اجزا و اموری خارج از بازی و قوانین آن است که تغییر آنها تغییر در اصل بازی به حساب نمی‌آید. به عنوان مثال اگر جنس زمین بازی یا توپ یا حتی بازیکن تغییر کند، ماهیت بازی عوض نمی‌شود، مثل تنیس در زمین خاکی با تنیس در زمین چمن که هر دو یک بازی است؛ ولی اگر قوانین بازی یا اجزا و اهداف آن تغییر کند، ممکن است اصل بازی متفاوت گردد.

در خصوص شطرنج، جنس صفحه و ماده به کار رفته در مهره‌ها هیچ مدخلیتی در بازی ندارد و تغییر آنها چون مربوط به ماده شیء است، سبب تغییر ماهیت بازی نمی‌شود؛ اما تغییر اصل مهره‌ها و تعداد آنها و همین‌طور تغییر شکل صفحه و مهره‌ها و تعداد خانه‌ها و تغییر در قوانین حرکت یا اهداف، تغییرات صوری است که ممکن است ماهیت بازی را عوض کند، حتی اگر کماکان همان نام قبلی بر آن اطلاق گردد.

۴. حاکم به تبدل موضوع

اگرچه ملاک تمایز و تعدد اشیا، صورت نوعی آنهاست و با تغییر صورت نوعی، ماهیت و حقیقت شیء دگرگون می‌شود؛ اما حاکم به تغییر و تبدل صورت نوعی، عقل است یا عرف؟ اگر عقل حاکم باشد، از آنجا که از عرف دقیق‌تر است، اندک تفاوت در آثار و صورت نوعی شیء را باعث تغییر ماهیت و تبدل موضوع خواهد دانست. اما عرف مسامحه‌گر است و با

۱. ر.ک: ابن سینا، رسائل، ص ۱۶۶؛ صدرالمآلهین، الحکمة المتعالیة، ج ۹، ص ۳۲؛ همو، العرشية، ص ۲۴۵؛ سبزواری، شرح منظومة، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. کاشف الغطا، الفردوس الاعلی، ص ۲۹۰؛ نراقی، مشارق الاحکام، ص ۲۵۹؛ نائینی، منیة الطالب، ج ۲، ص ۹۳؛ اصفهانی، حاشیة کتاب المکاسب، ج ۵، ص ۶۷؛ آملی، مصباح الهدی، ج ۲، ص ۳۲۹؛ بجنوردی، القواعد الفقهیة، ج ۶، ص ۸۸؛ آملی، المعالم المأثورة، ج ۴، ص ۳۳۵؛ خویی، فقه الشیعة، ج ۳، ص ۸۰ و ۲۳۲؛ همو، التنقیح، کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۱۳۴؛ حائری، شرح العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۳۶ و ۳۳۹.

اندک تغییر صوری حکم به تبدل ماهیت و موضوع نخواهد کرد. تغییرات باید به قدری زیاد باشد که عرف حکم به تبدل ماهیت نماید.

از دیدگاه فقها میزان در موضوعات شرع، نظر عرف است، نه عقل. در خصوص بازی شطرنج، عقل تغییر یک یا دو قانون از قوانین بازی شطرنج یا اضافه و کم شدن یکی دو مهره را باعث تبدل واقعیت می‌داند؛ اما قطعاً عرف به این میزان تغییر، حکم به تبدل ماهیت نمی‌کند. عرف ظاهرنگر است، نه واقع‌نگر. آنچه از دیدگاه عرف سبب تبدل ماهیت است، وجود تغییرات اساسی‌ای هم‌چون تغییرات گسترده در قوانین، یا مهره‌ها یا شیوه بازی است که به چشم آید. همین‌طور تغییر هدف بازی و اضافه شدن عنصر شانس توسط مهره تاس، تغییرات صوری بزرگی است که از منظر عرف ممکن است باعث تبدل حقیقت بازی باشد. شطرنج مدرن امروزی علی‌رغم تغییراتی که در آن روی داده و پیش از این بدان اشاره شد، چون هدف و غالب قوانینش همان هدف و قوانین قبلی است و شکل ظاهری آن و چینش مهره‌ها تغییری نیافته است، از منظر عرف همان شطرنج سابق است که کمی تغییر یافته و بازی جدیدی محسوب نمی‌گردد. یا شطرنج ذات‌الحصون که تفاوتش تنها در چهارخانه اضافی است، عرفاً بازی دیگری محسوب نمی‌شود.

اما شطرنج پیادگان یا شطرنج انتحاری که هدف در آنها متفاوت بوده و چینش مهره‌ها یا نوع بازی و قوانین آنها تفاوت چشم‌گیری دارد، عرفاً بازی دیگری قلمداد می‌شود. همین‌طور شطرنج گرد یا شطرنج سه‌نفره یا سه‌بعدی که ظاهری بسیار متفاوت با یکدیگر داشته و نوع بازی کردن آنها اختلاف فاحشی با یکدیگر دارد، بازی‌های متفاوتی با شطرنج‌های دیگر هستند، حتی اگر بر آنها عنوان شطرنج اطلاق گردد.

۵. اسم‌گرایی یا واقع‌گرایی

احکام شرع دایره مدار اسامی و عناوین اند یا دایره مدار مسمیات؟ به دیگر سخن، عنوانی که شارع موضوع حکم قرار می‌دهد تا چه اندازه اصالت دارد و فقیه تا چه اندازه باید روی آن عنوان تکیه نماید؟ برخی از فقها همه اصالت را به عنوان داده و حکم را دایره مدار اسم

مباحثات
پژوهش‌های فقهی

نظریه تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

دانشسته‌اند که از آن به «اسم‌گرایی» یا «ظاهرگرایی» تعبیر می‌شود.^۱ در نظر اینان حکم تابع نام موضوع است و تا وقتی آن نام باقی است، حکم نیز برقرار است؛ اگرچه حتی واقع و مسمی تغییر کرده باشد.^۲ در مقابل، گروهی از اسامی و عنوان عبور کرده و حکم را روی مسمی و هویت برده‌اند. به اعتقاد آنها اسم و عنوان مدخلیتی در حکم ندارد و اگر گفته می‌شود احکام دائر مدار اسامی‌اند از این جهت است که اسم، طریق به مسمی است، نه بیشتر.^۳ از این مبنا به «مسمی‌گرایی» یا «واقع‌گرایی» تعبیر می‌شود.^۴ برخی نیز به اسم‌گرایی و واقع‌گرایی هر دو اهمیت می‌دهند؛ به این بیان که احکام شرع بر مسمی جریان یافته‌اند؛ منتها بواسطة اسم.^۵ لذا هم بقای اسم مهم است و هم بقای واقعیت و چنانچه هر کدام تغییر یابد حکم ملغاً می‌گردد. مسلماً این سه رویکرد متفاوت بوده و قابل جمع با یکدیگر نیستند و فقیه باید مبنای خود را مشخص نماید. بررسی این مسأله که حق با کدام گروه است، مجال دیگری می‌طلبد؛ ولی بدون شک اتخاذ هر یک از مبانی فوق در استنباط حکم مسأله شطرنج با توجه به تغییراتی که در آن روی داده است، تأثیرگذار است.

ظهور اطلاقی روایات تحریم در انواع شطرنج

با عنایت به مؤلفه‌های پیش‌گفته، تغییرات مختلفی که در شطرنج روی داده و انواع متفاوتی از آن پدید آمده است، از چهار فرض خارج نیست:

فرض اول: گاهی تفاوت بین انواع شطرنج با شطرنج مورد نهی در زمان صدور روایات یا

۱. علیدوست و جهانگشای، «اسم‌گرایی، کارکردگرایی و هویت‌گرایی در فقه هنر»، مجله‌الهیات هنر، شماره ۱۰، صص ۶-۹.
۲. بحرانی، الحدائق الناظرة، ج ۵، ص ۴۷۲؛ سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۱۱، ص ۵۶؛ همدانی، مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۳۶ و ج ۷، ص ۱۴۲؛ حکیم، مستمسک، ج ۹، ص ۶۱؛ آملی، مصباح الهدی، ج ۳، ص ۱۳۵؛ خویی، موسوعة، ج ۲۳، صص ۱۴۳-۱۴۴.
۳. انصاری، کتاب الطهارة، ج ۵، ص ۹۵؛ روحانی، فقه الصادق، ج ۳، ص ۲۸۴؛ خوانساری، جامع المدارک، ج ۷، ص ۱۲۳؛ آشتیانی، کتاب الزکاة، ج ۱، صص ۱۷۹ و ۳۸۵؛ محقق داماد، کتاب الصلاة، ج ۴، ص ۳۰۸.
۴. علیدوست و جهانگشای، «اسم‌گرایی، کارکردگرایی و هویت‌گرایی در فقه هنر»، مجله‌الهیات هنر، شماره ۱۰، صص ۶-۹.
۵. کرکی، جامع المقاصد، ج ۱، ص ۱۸۱؛ نراقی، لوامع الاحکام، ص ۲۰۷؛ نراقی، مستند الشیعة، ج ۹، ص ۱۸۱؛ یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۷۳.

تغییرات پدیدآمده در همان شطرنج منهی، به گونه‌ای است که نه باعث تفاوت اسم شده است و نه عرفاً موجب تبدل ماهیت مسمی گردیده است. در این صورت موضوع پابرجا بوده و حکم حرمت در همه جاری است.

فرض دوم: گاهی تغییرات به قدری است که از نظر عرف، هم اسم و عنوان بازی عوض شده است و هم ماهیت آن. در این صورت تسری حرمت به انواع متفاوت شطرنج صحیح نیست؛ چه بر مبنای اسم‌گرایی، چه بر مبنای مسمی‌گرایی و چه بر مبنای اصالت اسم و مسمی. وجود شباهت‌هایی بین آنها - حتی اگر این شباهت‌ها زیاد باشد - نیز سبب تسری حکم حرمت به آنها نیست؛ چه آنکه قیاس باطل است؛ مگر در فرضی که علت و مناط حرمت شطرنج کشف شود و در همه انواع موجود باشد.

فرض سوم: تغییراتی صورت گرفته و اسم و عنوان بازی عوض شده است؛ اما از نظر عرف ماهیت همان ماهیت سابق است و مسمی حقیقتاً تغییر نکرده است. در این فرض بنابر اسم‌گرایی و بنابر اصالت اسم و مسمی، حرمت قابل تسری نیست؛ چون عنوان عوض شده است؛ ولی بنابر مسمی‌گرایی حرمت تسری می‌یابد؛ چون ماهیت همان ماهیت سابق است و عنوان دخیلی در حکم و موضوع ندارد.

فرض چهارم: تغییرات عرفاً سبب تفاوت ماهیت و حقیقت مسمای بازی شده است؛ اما نام و عنوان تغییری نکرده و کماکان بر آن شطرنج اطلاق می‌شود. در این صورت بنابر مسمی‌گرایی یا اصالت اسم و مسمی حرمت اثبات نمی‌شود؛ زیرا ماهیت بازی دگرگون شده است؛ اما بر مبنای اسم‌گرایی حرمت پابرجاست؛ چون عنوان باقی است. البته مشروط به آنکه اطلاق روایات قابل اثبات و استناد باشد. پیدایش چنین اطلاقی وابسته به احراز مقدمات حکمت است؛ چه آنکه آنگاه اطلاق شکل می‌گیرد که مولا علاوه بر استفاده از الفاظی که با توجه به معنای جامع خود، صلاحیت عمومیت و اطلاق دارند، در مقام بیان باشد و از قرینه‌ای منافی با اطلاق، در سخن خود بهره نگیرد. همین‌طور قدر متیقنی در مقام تخاطب وجود نداشته باشد که لفظ را از اطلاق ساقط کند یا آنکه قرائن داخلی و خارجی سبب انصراف حقیقی شوند. ممکن است نسبت به وجود این شرایط در اطلاق روایات حرمت شطرنج اشکالات ذیل مطرح گردد که اطلاق‌گیری بسته به پاسخ آنهاست:

ماجرای

تطور تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

اشکال اول: در فرض مذکور که انواع مختلف شطرنج به لحاظ ماهیت و مسمی متفاوت از هم بوده، ولی عرف درباره همه آنها نام شطرنج را به کار می برد، این کاربرد قطعاً از قبیل اشتراک لفظی است، نه اشتراک معنوی؛ چون اشتراک معنوی نیازمند جامع است و در فرض تفاوت مسمی، جامعی حقیقی بین انواع مختلف و فراوان شطرنج با این همه تفاوت صوری وجود ندارد و اگر اشتراک، لفظی و جامع، اسمی باشد، گفتن واژه شطرنج و اراده همه انواع و اقسام مختلف شطرنج ممکن نیست، مگر بر مبنای جواز استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا که یا صحیح نیست - چنانچه مشهور معتقدند^۱ - و یا دست کم خلاف ظاهر است^۲. این اشکال، اطلاق گیری بر مبنای اسم گرایی را حتی در مسائل دیگر غیر از مسأله شطرنج نیز با چالش مواجه خواهد کرد.

اشکال دوم: صرف نظر از اشکال اول، در فرض تفاوت ماهوی مسمای انواع شطرنج، در صورتی اطلاق شکل می گیرد که مولا در مقام بیان حکم همه انواع مختلف حادث و قدیم شطرنج بوده و الف و لام «الشطرنج» نیز در روایات، الف و لام جنس باشد تا شامل همه انواع شطرنج شود، حال آنکه با توجه به مرسوم بودن نوع خاصی از انواع شطرنج در زمان صدور روایات و عدم متداول بودن یا حادث بودن همه انواع آن، احتمال عهد بودن الف و لام اگر نگوییم متعین است، دست کم محتمل است؛ خصوصاً به قرینه پرسش راوی «أَنَّهُ سِئَلٌ عَنِ الشُّطْرَنْجِ» که از حکم شطرنج سؤال می کند. مسلماً راوی از شطرنجی می پرسد که شناخته شده و مرسوم است و امام هم در پاسخ می فرماید «شطرنج مجوس را به اهل آن واگذارید» که صحبت از نوعی شطرنج خاص است. این مطلب در روایتی دیگر به شکل بارزتری مشهود است که راوی از امام می پرسد: «مَا تَقُولُ فِي الشُّطْرَنْجِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا»^۳ که سخن درباره شطرنجی است که در آن زمان، بازی با آن مرسوم بوده است. بنابر این اگرچه اصل در الف و لام جنس است؛ ولی با توجه به قرینیت سؤال در بسیاری از روایات و

۱. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۳۶؛ عراقی، بدایع الافکار، ص ۱۴۵؛ نائینی، اجودالتقریرات، ج ۱، ص ۵۱؛ مظفر، اصول الفقه، ج ۱، ص ۷۸.
۲. طباطبایی قمی، آرائنا فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۶۶؛ صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۳، ص ۱۰۴؛ مکارم، انوار الاصول، ج ۱، ص ۱۵۴.
۳. حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۲۰.

همین طور معهود بودن نوع خاصی از شطرنج در میان مسلمانان و دربار خلفا، احتمال دارد مقصود، بیان حرمت همان شطرنج متداول و معهود باشد و با وجود قرینه، استناد به اصالة الظهور با مشکل مواجه است؛ زیرا اصالة الظهور احتمالات بدون پشتوانه را دفع می‌کند؛ اما با وجود قرینه جریان سیره بر عمل و استناد به اصالة الظهور روشن نیست. آری در روایت «الشُّطْرُنْجُ مِنَ الْبَاطِلِ» پرسشی وجود ندارد؛ اما علاوه بر معهود بودن نوع خاصی از شطرنج، دلالت روایت بر حرمت قابل نقد است؛ چه آنکه هر باطلی حرام نیست، وگرنه بسیاری از کارها در جرگه فعل حرام جای می‌گرفتند. برای اطلاق‌گیری، این احتمال باید ابطال گشته و اثبات شود که شارع در مقام بیان حکم همه انواع شطرنج بوده است. علاوه بر آن ممکن است ادعای انصراف شود؛ یعنی به علت معهود بودن نوع یا انواع خاصی از شطرنج در زمان صدور روایات و فراوانی استعمال واژه شطرنج در آنها، ادعای انصراف اطلاقات به همان افراد و انواع معهود مطرح شود؛ چه آنکه کثرت وجود با متداول و معهود بودن متفاوت است؛ زیرا کثرت وجود با کثرت استعمال ملازمه ندارد؛ اما متداول بودن و معهود بودن به کثرت استعمال می‌انجامد. برای اثبات تمامیت این اطلاقات، این ادعا نیز باید ابطال گردد.

البته ممکن است پاسخ‌هایی نیز برای اشکال‌های فوق مطرح باشد؛ اما با توجه به آنچه بیان شد تسری حکم حرمت به دیگر انواع مختلف شطرنج، فقط در صورتی ممکن است: الف. احکام دائر مدار اسم و عنوان باشد و عرفاً عنوان شطرنج بر همه این بازی‌ها صدق کند و اطلاقات شطرنج نیز تام و تمام باشد.

ب. احکام دائر مدار مسمی باشد و عرفاً وحدت ماهوی میان شطرنج زمان صدور روایات و دیگر شطرنج‌ها از جمله شطرنج کنونی وجود داشته و مسمی یکی باشد.

ج. بر فرض تفاوت اسم و مسمی، علت و مناط حرمت شطرنج کشف شود و این مناط در همه انواع موجود باشد.

در غیر این صورت حرمت انواع مختلف شطرنج با اشکال مواجه است و نهایتاً حلیت و حرمت آنها مورد شک و تردید قرار خواهد گرفت که در ادامه حکم آن جداگانه بحث خواهد شد.

مباحث

تطور تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

حکم شک در مسأله و اقتضای اصول عملی

طبق ملاک اول که حرمت شطرنج بر اساس شرطبندی و بُرد و باخت است، شک موضوعاً منتفی است و بین انواع شطرنج از جهت حرمت شرطبندی تفاوتی نیست؛ اما بر اساس ملاک دوم (آلت قمار) و سوم (حرمت ذاتی)، شک تصویر خواهد داشت؛ به این صورت که بر مبنای دوم می‌دانیم که بعضی از انواع شطرنج در گذشته خصوصاً در زمان صدور روایات و در عهد خلفای اموی و عباسی یا بعد از آن آلت قمار بوده‌اند؛ ولی اینکه همهٔ انواع، خصوصاً انواع جدیدتر آن، آلت قمار بوده باشند، معلوم نیست؛ بلکه در بسیاری از آنها معلوم العدم است. به هر صورت در خصوص آلت قمار بودن نوع یا انواعی از شطرنج ممکن است شک داشته باشیم، در این صورت مقتضای اصول عملیه چیست؟ به عنوان مثال، در خصوص شطرنج مدرن امروزی یا همان شطرنج وزیر خشمگین که در قرن پانزدهم میلادی با ایجاد تغییراتی در حرکت برخی مهره‌ها و برخی قوانین، متداول شده است، اگر این شطرنج از منظر عرف همان شطرنج گذشته که آلت قمار بوده است، محسوب گردد، حرمت باقی است، مگر اینکه از آلت قمار بودن خارج شده باشد؛ اما بر فرض که بازی جدیدی قلمداد گردد، اصل آلت قمار بودن آن از بدو پیدایش یعنی قرن پانزده تاکنون مورد تردید است که در فرض شک، اصل عدم در آن جاری خواهد شد. این نتیجه در مورد سایر انواع شطرنج که جدیداً حادث شده یا می‌شوند نیز صادق است؛ هم چون شطرنج کاپابلانکا و شطرنج ۹۶۰ بابی فیشر که در قرن نوزدهم توسط دو شطرنج‌باز معروف اختراع شدند.

هم چنین طبق ملاک سوم، بر فرض که عرفاً هر یک از انواع شطرنج بازی جدیدی محسوب شود و از طرفی اطلاعات حرمت به خاطر عدم تمامیت شامل همهٔ انواع شطرنج نشود، آنچه قطعی است حرمت نوع یا انواعی است که در زمان صدور روایات در جوامع مسلمانان مرسوم و متداول بوده و مورد نهی صریح امامان معصوم علیهم‌السلام واقع شده است؛ اما اینکه آن انواع کدام‌اند یا اینکه حکم دیگر انواع غیر مرسوم یا حادث شطرنج در زمان صدور روایات چیست، شک وجود دارد. بازشناسی حکم این صور نیز در گرو مراجعه به اصول عملی است. به عنوان نمونه، در خصوص شطرنج مدرن امروزی، اگر عرفاً این شطرنج همان شطرنج سابق باشد، حرمت شامل آن خواهد شد و شکی در این جهت وجود نخواهد داشت؛

ماهیچنا
پژوهش‌های فقهی

سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

اما اگر بازی جدیدی شمرده شود و مسمای آن متفاوت شده باشد و اطلاعات نیز به جهت آنچه گفته شد، شامل آن نگردد، شک در حرمت آن از قبیل شک در اصل تکلیف بوده که مجرای اصل برائت و حکم اباحه است. این نتیجه در مورد دیگر انواع جدید شطرنج که پس از عصر صدور روایات حادث شده و می شوند، صادق است.

اما انواع مختلف دیگر شطرنج که در گذشته و در عصر ائمه علیهم السلام متداول بوده اند چگونه اند؟ آنچه مسلم است اینکه علم اجمالی داریم یک یا چند مدل از این انواع متعلق حکم حرمت واقع شده اند؛ یا فی نفسه یا به خاطر آلت قمار بودن؛ اما اینکه همه آنها آلت قمار بوده باشند یا در روایات متعلق حرمت قرار گرفته باشند، معلوم نیست. اطلاعات نیز ممکن است به جهاتی که گفته شد، تمامیت نداشته باشند. بنابر این در میان صدها مدل از انواع شطرنج یک یا چند مدل حرام است و دیگر انواع حکمشان مشکوک است. در این صورت مقتضای اصول عملیه چیست؟

دو صورت قابل تصویر است: یا به هیچ وجه معلوم نیست چه نوع از انواع شطرنج حرام بوده و هست و یا اینکه با بررسی و فحص تاریخی - روایی دانسته می شود که فلان نوع خاص از شطرنج، حرام بوده است. صورت اول ذیل شبهه حکمیة تحریمیة اجمال نص قرار می گیرد؛ مانند غنا که حرام است؛ اما اینکه غنا صوت مطرب است یا صوت مرجع معلوم نیست. در شبهه تحریمیة اجمال نص اگر قدر متیقنی بود مثل صوت مطرب مرجع به همان اخذ می شود، و در ماعدای قدر متیقن، شک در اصل تکلیف است که برائت جاری می شود^۱. اما اگر قدر متیقنی وجود نداشت و حرام دائر میان امور متباین بود، مسأله به خاطر علم اجمالی به اصل حرمت از قبیل شک در مکلف به^۲ می شود که دو حالت دارد: اگر اطراف شبهه غیر محصوره باشد احتیاط تام و ترک همه اطراف لازم نیست و اگر محصوره باشد اگرچه احتیاط تام لازم است؛ اما این در صورتی است که همه اطراف شبهه محل ابتلای مکلف باشد. بنابر این در این فرض ولو اقسام و انواع مختلف شطرنج با این حجم از تنوع محصوره باشد، باز هم احتیاط تام لازم نیست و می توان نسبت به بعضی از اطراف برائت جاری کرد؛ چون همه انواع

مباحث

نظریه تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

۱. انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۱۱۴؛ نانینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۳۸۸؛ عراقی، نهایة الافکار، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲. انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۲۷۵؛ عراقی، نهایة الافکار، ج ۳، صص ۲۶۲-۲۶۳.

شطرنج که اطراف علم اجمالی هستند مورد ابتلای ملکف نیستند^۱. اما اگر با فحص مشخص شد که کدام نوع یا انواع شطرنج حرام یا آلت قمار بوده است، در این صورت حکم حرمت مختص به همان مورد یا موارد است و نسبت به دیگر انواع شطرنج اصل حکمی برائت یا اصل موضوعی عدم قمار جاری می‌شود.

اگر کسی علی‌رغم همه تطورات و تغییراتی که در شطرنج به وجود آمده است در اصل تغییر موضوع و اینکه بازی، عرفاً بازی جدیدی شده باشد که حکم جدید طلب کند، شک داشت مقتضای اصول عملیه چیست؟ یا اینکه در اصل تغییرات شطرنج تردید داشت چه باید کرد؟ آیا می‌توان به سراغ اصل استصحاب رفت و موضوع یا حکم را استصحاب کرد؟ اگر نسبت به تغییر عنوان و اسم بازی شک داشتیم چگونه؟

در خصوص شک نسبت به تغییر نام می‌توان از اصل عدم نقل استفاده نمود و عدم تغییر را نتیجه گرفت؛ اما نسبت به دو شک دیگر باید گفت: گاهی شطرنج قدیم که موضوع حرمت بوده با تمام خصوصیات و قواعد آن معلوم است و شک در این است که آیا امروزه در آن تغییراتی رخ داده یا نه؟ اینجا می‌توان به استصحاب تمسک کرد و حدوث تغییر در آن را منتفی نمود، اما گاهی شطرنج جدید با همه خصوصیات معلوم است و شک در مورد شطرنج قدیم است که آیا همین بازی بوده یا اینکه در گذشته قواعد آن با الان متفاوت بوده تا شطرنج دیگری قلمداد شود؟ در اینجا نمی‌توان استصحاب کرده و شطرنج قدیم را از حیث قواعد با شطرنج کنونی یکی دانست؛ چون استصحاب قهقرایی است که به اعتقاد مشهور باطل است.

اما اگر شک در تغییر موضوع به جهت روشن نبودن حقیقت مفهوم موضوع و تردید در خصوصیات معتبر در آن باشد، در این صورت نه جای استصحاب حکمی است و نه جای استصحاب موضوعی. استصحاب حکم حرمت جاری نیست؛ چون استصحاب حکمی تنها در صورتی جاری است که بقای موضوع محرز باشد و در فرض شک در موضوع و عدم احراز آن، استصحاب حکم جاری نیست. استصحاب موضوعی نیز جاری نیست؛ چون حقیقت و ماهیت موضوع روشن نیست و با توجه به تغییراتی که در آن روی داده مردد است بین چیزی که قطعاً منتفی است و امری که قطعاً باقی است. به دیگر سخن، در فرض اخیر، در حقیقت،

۱. انصاری، فرائد، ج ۲، صص ۲۳۳-۲۳۴.

شک در این جهت است که آیا شطرنج با همان خصوصیات سابق که الان منتفی شده است، موضوع حرمت بوده است تا با زوال آن خصوصیات حرمتش منتفی شده باشد یا اینکه آن خصوصیات دخالتی در حقیقت موضوع و حرمت مترتب بر آن نداشته است و با زوال آنها کماکان موضوع و حکم باقی است؟ در این صورت اگر بخواهیم اصل بقای موضوع، یعنی بقای شطرنجی را که در گذشته موضوع حرمت بوده است نسبت به عصر حاضر استصحاب کنیم - به این نحو که شطرنج سابق که حرام بوده است، هنوز وجود دارد و بعد نتیجه بگیریم بازی کنونی همان شطرنج موضوع حرمت است - می شود اصل مثبت (به فرض که این دو لازم و ملزوم باشند که ثابت نیست) و اگر بخواهیم همان شطرنج سابق را با وصف موضوع حرمت بودن استصحاب کنیم، به این نحو که بگوییم شطرنج کنونی، قبلاً که تغییراتی در آن صورت نگرفته بود، موضوع حرمت بود، الان پس از حصول تغییرات شک داریم کماکان موضوع حرمت است یا نه؟ موضوع حرمت بودن همین شطرنج را استصحاب کنیم، چنین استصحابی به استصحاب حکم بر می گردد که بیان شد جاری نیست! بنا بر این با توجه به تغییراتی که در شطرنج رخ داده است نه استصحاب در حکم شطرنج جاری است و نه در موضوع. بله اگر آنچه تغییر کرده مقوم شطرنج نبوده و عرفاً از قبیل تغییر در احوال موضوع بوده است، استصحاب حکم و موضوع جاری است؛ اما اگر عرفاً مقوم موضوع بوده و به حیثیت تقییدیه دخیل در حکم بوده است، حکم قطعاً منتفی است؛ چون موضوع منتفی است و همین طور در فرض شک در اینکه مقوم بوده یا از قبیل احوال باز هم استصحاب جاری نیست. استصحاب تنها در فرضی درست است که یقین داشته باشیم خصوصیات متغیر مقوم موضوع نبوده و به حیثیت تقییدیه دخالتی در حکم ندارند.^۲

ممکن است کسی بخواهد با استصحاب کلی، حرمت را به شطرنج جدید امروزی تسری دهد؛ به این شیوه که فرد سابق شطرنج قطعاً مصداق حرام یا مصداق آلت قمار بوده است و فرد حادث جدید از این جهت مشکوک است و نمی دانیم کلی حرمت یا کلی آلت قمار، در

ماجرای

تطور تاریخی شطرنج و تأثیر آن بر حکم فقهی

۱. ر.ک: انصاری، فرائد الاصول، ج ۳، ص ۲۹۳؛ حلی، اصول الفقه، ج ۱۱، ص ۸؛ خویی، مصباح الاصول، ج ۲، صص ۲۷۸-۲۷۹؛ صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۳، ص ۱۴۷.
 ۲. خویی، مصباح الاصول، ج ۲، صص ۲۷۷-۲۷۹؛ روحانی، زبدة الاصول، ج ۵، ص ۱۴۸.

ضمن این فرد باقی است یا خیر؟ بقای کلی حرمت یا بقای کلی آلت قمار را در فرد جدید استصحاب می‌کنیم. پیمودن این راه نیز سر از بی‌راهه در می‌آورد؛ چرا که از نوع استصحاب کلی قسم دوم یا سوم است و اگر جاری باشد، نهایتاً اصل بقای کلی قابل اثبات است؛ اما وجود کلی در ضمن همین فرد را اثبات نمی‌کند؛ یعنی نمی‌توان گفت شطرنج حرام یا شطرنج آلت قمار است که باقی است همین فرد کنونی شطرنج است؛ مگر از باب اصل مثبت که حجت نیست^۱ و به گفته اصولیان از قبیل استصحاب کلی وجود آب گُر در حوض، برای اثبات گُر بودن آب موجود در حوض است^۲.

ممکن است با تمام این حرفها گفته شود درست است که برخی قواعد و مهره‌های شطرنج تغییر یافته است؛ ولی برخی از مهره‌ها مثل اسب، رخ و پیاده، با تمام حرکات گذشته کماکان در شطرنج حضور داشته و تغییری در آنها و قواعد و خصوصیاتشان رخ نداده است. لذا شطرنج کنونی به خاطر همراه داشتن همان بعض مُحرّم، حرام است. پاسخ آن است که در فرض مذکور، نهایتاً از قبیل شبهات تحریمه اقل و اکثر می‌شود؛ زیرا شک داریم موضوع حرمت بازی شطرنج، تمام آن با همان خصوصیات گذشته است یا بازی با تک‌تک اجزای آن حرام است. آیا بازی با همه مهره‌های شطرنج با هم حرام است یا مثلاً حرکت دادن مهره اسب که به همان صورت قدیم مرسوم است نیز حرام است؟ در شبهات تحریمه اقل و اکثر، اگر اقل و اکثر استقلالی باشد حرمت اقل متیقن است و نسبت به حرمت اکثر برائت جاری می‌شود؛ ولی اگر اقل و اکثر ارتباطی باشد حرمت اکثر قطعی است و نسبت به اقل برائت جاری می‌شود^۳. مثل حرمت مجسمه سازی که نمی‌دانیم تراشیدن کل پیکره حرام است یا تراشیدن نیم تنه نیز حرام است که در فرض شک نسبت به اقل برائت جاری می‌شود. شطرنج نیز در فرض فوق از قبیل اقل و اکثر ارتباطی است که نسبت به اقل برائت جاری می‌شود.

۱. انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲. ر.ک: انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۶۸۵ و ج ۳، ص ۲۸۱؛ فشارکی، الرسائل، ص ۱۷۷؛ روحانی، منتقى الاصول، ج ۶، ص ۳۴۱؛ همو، زبدة الاصول، ج ۵، ص ۱۴۹.

۳. انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۲۷۷.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شطرنج در سیر تطور تدریجی خود در گذر زمان علاوه بر تحولات کاربردی، دچار دگردیسی‌های ماهوی زیادی شده و انواع و اقسام زیادی از آن، از دل فرهنگ‌های گوناگون پدید آمده است. در روایات شطرنج فی‌نفسه یا به جهت آلت قمار بودن مورد نهی قرار گرفته است؛ اما بسیاری از اقسام شطرنج در زمان صدور نهی یا مرسوم نبوده‌اند و یا هنوز اختراع نشده بودند. تسری حکم حرمت به این اقسام تنها با این روش‌ها میسر است:

۱. این همانی عرفی این اقسام با شطرنج حرام احراز شده و عرف همه را یک بازی قلمداد نماید.
 ۲. بر فرض تفاوت ماهوی میان انواع شطرنج، عنوان شطرنج بر همه صادق باشد و مدار احکام نیز بر اسم‌گرایی گذاشته شده و اطلاعات روایی ثابت باشد.
 ۳. علت حرمت شطرنج دانسته شده و در همه اقسام وجود داشته باشد.
- در غیر این صورت، حرمت این دست از انواع شطرنج مورد شک و تردید است. در فرض شک نیز، با توجه به تغییرات ماهوی شطرنج، تمسک به اصل استصحاب برای تسری حکم حرمت یا اثبات بقای موضوع راهگشا نیست؛ بلکه حتی می‌توان با استناد به اصل برائت، حلیت دست‌کم بعضی از انواع شطرنج را که محل ابتلای عموم مردم است اثبات نمود. البته این منافاتی با حسن احتیاط ندارد.

منابع و مآخذ

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الأصول، قم: آل‌البیت، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۲. آشتیانی، میرزا محمدحسن، کتاب‌الزکاة، قم: انتشارات زهیر - کنگره، چ ۱، ۱۴۲۶ق.
۳. ابن‌سینا، رسائل ابن‌سینا، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۰ق.
۴. ابن‌عربشاه، عجائب‌المقدور فی اخبار تیمور (زندگانی شگفت‌آور تیمور)، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶ شاهنشاهی.
۵. اصفهانی، محمدحسین کمپانی، حاشیة کتاب‌المکاسب، قم: أنوارالهدی، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۶. آملی، شمس‌الدین محمدبن محمود، نفائس‌الفنون فی عرائس‌العیون، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱ش.
۷. آملی، میرزا محمدتقی، مصباح‌الهدی فی شرح‌العروة‌الوقتیه، تهران: مؤلف، چ ۱، ۱۳۸۰ق.
۸. آملی، میرزاهاشم، المعالم‌المأثورة، قم: مؤلف کتاب، چ ۱، ۱۴۰۶ق.

۹. اندلسی، صاعد بن احمد، التعريف بطبقات الامم، تحقیق غلامرضا جمشیدنژاد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم: مجمع فکر اسلامی، چ ۲، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. _____، کتاب الطهارة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخچه شطرنج در ایران و جهان، موجود در وبسایت اینترنتی باشگاه خبرنگاران جوان، در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۱ به نشانی www.yjc.ir/fa/news/4023606.
۱۳. بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهية، قم: نشر الهادی، چ ۱، ۱۴۱۹ ق.
۱۴. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
۱۵. بهجت، محمدتقی، استفتاءات، قم: دفتر حضرت آية الله بهجت، چ ۱، ۱۴۲۸ ق.
۱۶. بیرونی، ابوریحان، تحقیق ما للهند، بیروت: عالم الکتب، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. جزیری، عبدالرحمن، الفقه على مذاهب الاربعة، [بی جا]: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۸. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، چ ۱.
۱۹. حائری یزدی، مرتضی، شرح العروة الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۲۶ ق.
۲۰. حرّعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. حکیم، سیدمحسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر، چ ۱، ۱۴۱۶ ق.
۲۲. حلّی، حسین، أصول الفقه، قم: مکتبه الفقه و الاصول المختصة، چ ۱، ۱۴۳۲ ق.
۲۳. خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک في شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. خوبی، سید ابوالقاسم، التنقیح في شرح العروة الوثقی، تقریر علی غروی، قم: [بی نا]، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. _____، فقه الشیعة-کتاب الطهارة، تقریر محمد مهدی خلخالی، قم: مؤسسه آفاق، چ ۳، ۱۴۱۸ ق.
۲۶. _____، مصباح الأصول، تقریر محمدرور حسینی بهسودی، قم: مؤسسه احیاء الآثار الامام الخوئی، چ ۱، ۱۴۲۲ ق.
۲۷. _____، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
۲۸. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵ ش.

۲۹. زُبرت، ریچارد، شطرنج را از پایه بیاموزید، ترجمه قربان یوسف پور و محمد رفیع نژاد، تهران: ترمه، چ ۱، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. رحمانی، عبدالرحمن، گنجینه طلایی شطرنج، ۲۰۰ سال با نوابغ، تهران: انتشارات فرزین، چ ۱، ۱۳۷۲ ش.
۳۱. روحانی، سیدصادق حسینی، فقه الصادق علیه السلام، قم: دار الکتاب، چ ۱، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. روحانی، محمد، منتقى الأصول، قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. روحانی، محمدصادق، زبدة الأصول، تهران: انتشارات حدیث دل، چ ۲، ۱۳۸۲ ش.
۳۴. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار، چ ۴، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. سبزواری، ملاهادی، شرح منظومه، تهران: نشر ناب، چ ۱، ۱۳۶۹-۱۳۷۹ ش.
۳۶. صدر، محمدباقر، بحوث في علم الأصول، بیروت: الدار الاسلامیة، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۳۷. صدر المتألهین، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بیروت: دار احیاء التراث، چ ۳، ۱۹۸۱ م.
۳۸. صدر المتألهین، العرشیة، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۱ ش.
۳۹. صدوق، محمد بن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه، چ ۲، ۱۴۱۳ ق.
۴۰. صفری آق قلعه، علی، گزارش میراث، مقاله «کهن ترین نوشته شناخته شده فارسی در آموزش شطرنج»، دوره دوم، سال سوم، شماره ۳۱ و ۳۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸ ش.
۴۱. طباطبایی، سید محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: انتشارات صدرا، چ ۲، ۱۳۶۴ ش.
۴۲. طباطبایی قمی، تقی، آراؤنا فی أصول الفقه، قم: محلاتی، چ ۱، ۱۳۷۱ ش.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۴۴. عراقی، ضیاءالدین، بدائع الافکار فی الأصول، تقریر میرزا هاشم آملی، نجف اشرف: المطبعة العلمیة، چ ۱، ۱۳۷۰ ق.
۴۵. _____، نهاية الأفكار، تقریر محمدتقی بروجردی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۳، ۱۴۱۷ ق.
۴۶. علیدوست، ابوالقاسم و جهانگشای اباجلو، هادی، «اسم گرایی، کارکردگرایی و هویت گرایی در فقه هنر»، فصلنامه هیات هنر، شماره دهم، پائیز ۱۳۹۶ ش.
۴۷. فشارکی، محمدباقر بن محمدجعفر، الرسائل الفشارکیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. فلند، فردرین، ۱۰۰۱ روش جالب برای مات کردن در شطرنج، ترجمه محمد مهدی پاک فطرت، تهران: نشر ایران زمین، چ ۳، ۱۳۷۶ ش.
۴۹. قاضی زاده، مجیده، تصحیح، ترجمه و شرح بخش های ریاضی کتاب الشطرنج، متون برگزیده از عدلی، ابوبکر صولی و دیگران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ علم، دانشگاه تهران، دفاع شده در شهریور سال ۱۳۹۳ ش.

۵۰. کاشف الغطاء، محمد حسین، الفردوس الأعلى، قم: دار أنوار الهدی، ج ۱، ۱۴۲۶ق.
۵۱. کرکی، محقق ثانی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۲، ۱۴۱۴ق.
۵۲. کمالی، محمد مهدی و اکبریان، رضا، فلسفه و کلام اسلامی، «معرفت شناسی گزاره‌های اخلاقی بر مبنای نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی»، دانشگاه تهران، سال چهل و هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۵۴. محقق داماد، سید محمد، کتاب الصلاة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۶ق.
۵۵. مظفر، محمد رضا، أصول الفقه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵، ۱۴۳۰ق.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، انوارالأصول، تقریر احمد قدسی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۲، ۱۴۲۸ق.
۵۷. نائینی، محمدحسین، أجودالتقریرات، تقریر سیدابوالقاسم خویی، قم: مطبعة العرفان، ج ۱، ۱۳۵۲ش.
۵۸. _____، فوائدالأصول، تقریر محمد علی کاظمی خراسانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱، ۱۳۷۶ش.
۵۹. _____، منية الطالب فی حاشية المكاسب، تهران: المكتبة المحمدية، ج ۱، ۱۳۷۳ق.
۶۰. نراقی، مولی احمد، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۵ق.
۶۱. نراقی، مولی محمد، لوامع الأحكام فی فقه شریعة الإسلام، قم: [بی نا]، ج ۱، [بی تا].
۶۲. _____، مشارق الأحكام، قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، ج ۲، ۱۴۲۲ق.
۶۳. نوابی، عبدالحسین، سیر شطرنج ایران در جهان، تهران: شباویز، ۱۳۷۸ش.
۶۴. هاشمی نژاد، قاسم، کارنامه اردشیر بابکان، ترجمه از متن پهلوی، تهران: نشر مرکز، ج ۱، ۱۳۶۹ش.
۶۵. همدانی، آقا رضا، مصباح الفقیه، قم: مؤسسة الجعفریة لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۱۶ق.
۶۶. یزدی، سیدمحمدکاظم طباطبائی، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۲، ۱۴۰۹ق.
۶۷. یکتایی، مجید، بخش اول مقاله «پیشینه تاریخی شطرنج»، مجله بررسی های تاریخی، شماره پنجم و ششم، سال چهارم، ۱۳۴۸ش.
۶۸. _____، بخش دوم مقاله «پیشینه تاریخی شطرنج»، مجله بررسی های تاریخی، شماره اول، سال پنجم، ۱۳۴۹ش.
۶۹. _____، بخش سوم مقاله «پیشینه تاریخی شطرنج»، مجله بررسی های تاریخی، شماره دوم، سال پنجم، ۱۳۴۹ش.